



An Investigation of the Poem of “Allemoha” by Mohammad Mehdi Javaheri

Based on Norman Fairclough's theory of Critical Discourse Analysis

Hojjat Rasouli*

Professor in Arabic Language and Literature, Shahid Beheshti University(h-rasouli@sbu.ac.ir)

Seyyedeh Firouzeh Hoseini

PhD student in Arabic Language and Literature, Shahid Beheshti University

Received on: 30/06/2020

Accepted on: 21/09/2020

DOI: 10.30479/lm.2020.13611.3061

© xxxx Imam Khomeini International University. All rights reserved

Abstract

Critical discourse analysis is an interdisciplinary field of study that is closely related to various sciences. It requires the participation of factors such as power, ideology, history, etc. in the text. The poem “Allemoha”, “composed by Mohammad Mehdi Javaheri, is an example of his poetic experience, with many sub-layers and deep meanings. In this poem, with a critical approach, while enumerating the effect of knowledge and awareness on women's performance of various social roles, he depicts the ruling class's power and ideology. The linguistic interactions of the jewel and the exposure of its inner thoughts in the form of a literary text are noteworthy. But what are the hidden ideologies in jewelry poems? Based on Norman Fairclough's theory and based on the three principles of description, interpretation, and explanation in critical discourse analysis, this research has tried to examine the poem's literary dimensions while answering this question. The results showed that the content of the poem “Allemoha” “ evokes the interrelationship of literature and society for the reader. This poem is closely related to history, society, politics, psychology, and religious teachings. Relying on Islamic ideology, while enumerating the factors of women's ignorance and its hatred with the framework of Quranic teachings and the tremendous impact of knowledge and awareness on the success of Muslim women in playing the three roles of daughter, husband, and mother, Javaheri criticizes unfair distribution The power of the rulers pays. The uniformity of the poetic space, coherence, observance of the unity of the subject, continuity and logical connection between words and concepts, harmony between words, strong language, and the poet's striking tone throughout the poem are the most critical features of the poem in highlighting the discourse.

Keywords: Mohammad Mehdi Javaheri .Critical discourse analysis, description, interpretation, explanation

واکاوی قصیده "علموها" سروده محمد مهدی جواهری

بر مبنای نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن کلاف*

حجت رسولی استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید بهشتی

سیده فیروزه حسینی دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

تحلیل گفتمان انتقادی یک گرایش مطالعاتی بین‌رشته‌ای است که ارتباط تنگاتنگی با علوم مختلف دارد. لازمه آن شرکت دادن عواملی همچون قدرت، ایدئولوژی، تاریخ و... در متن است. قصیده "علموها"، سروده محمد مهدی جواهری، نمونه‌ای از تجربه شاعری او، با زیرلایه‌های فراوان و مفاهیم عمیق است. او در این قصیده با رویکردی انتقادی، ضمن برشمردن تأثیر دانش و آگاهی بر ایفای نقش‌های اجتماعی متعدد از سوی زنان، قدرت و ایدئولوژی طبقه حاکم را به تصویر می‌کشد. تعاملات زبانی جواهری و در معرض قراردادن اندیشه‌های درونی‌اش در قالب متن ادبی، در خور توجه است. اما باید دید ایدئولوژی‌های پنهان در اشعار جواهری کدام است؟ این پژوهش تحلیلی - توصیفی کوشیده است بر اساس نظریه نورمن فرکلاف و بر مبنای سه اصل توصیف، تفسیر و تبیین در تحلیل گفتمان انتقادی، ضمن پاسخ به این سوال، ابعاد ادبی قصیده را نیز بررسی کند. نتایج نشان داد محتوای قصیده "علموها"، پیوند متقابل ادبیات و جامعه را برای خواننده تداعی می‌کند. این قصیده با تاریخ، اجتماع، سیاست، روان‌شناسی و تعالیم دینی ارتباط تنگاتنگ دارد. جواهری با تکیه بر ایدئولوژی اسلامی، ضمن برشمردن عوامل ناآگاهی زنان و تضاد آن با چارچوب آموزه‌های قرآنی و تأثیر شگرف دانش و آگاهی بر موفقیت زنان مسلمان در ایفای نقش‌های سه‌گانه دختر، همسر و مادر، به انتقاد از توزیع ناعادلانه قدرت حاکمان می‌پردازد. یک‌دستی فضای شعر، انسجام و وحدت موضوع، هماهنگی و ارتباط منطقی بین الفاظ و مفاهیم و زبان استوار و محکم شاعر در سرتاسر قصیده از مهم‌ترین ویژگی آن است.

کلمات کلیدی: محمد مهدی جواهری، "علموها"، تحلیل گفتمان انتقادی، توصیف، تفسیر، تبیین

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۶/۳۱

- نشانی پست الکترونیکی (نویسنده مسؤل): h-rasouli@sbu.ac.ir

- شناسه دیجیتال (DOI): 10.30479/lm.2020.13611.3061

۱- مقدمه

تحلیل گفتمان یک گرایش مطالعاتی بین‌رشته‌ای است که از اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰، در پی تغییرات گسترده‌ی علمی - معرفتی در رشته‌هایی چون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقمند به مطالعات نظام‌مند ساختار و فرایند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸). تحلیل گفتمان نه یک رویکرد واحد، بلکه مجموعه‌ای از رویکردهای میان‌رشته‌ای است که می‌توان از آن‌ها در انواع گوناگون مطالعه‌ها و برای کندوکاو در قلمروهای مختلف اجتماعی استفاده کرد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۷) از این رو آن را تلفیقی از تحلیل متن و تحلیل فرایندهای تولید، توزیع، مصرف متن و تحلیل اجتماعی - فرهنگی به شمار آورده‌اند (محسنی، ۱۳۹۱: ۶۶). این رشته، پل ارتباطی بین رشته‌های مختلف از جمله زبان‌شناسی، روان‌شناسی، تاریخ و ... است. لازمه آن، در برداشتن جامعیتی از علوم دیگر همچون جامعه‌شناسی، فلسفه، تاریخ، سیاست و ادبیات است (وندایک، ۱۹۹۶: ۱۵۲-۱۵۱). از این رو به کشف جریان فکری متکلم بر اساس متن موجود با رویکرد زبان‌شناختی می‌انجامد (تاجیک، ۱۳۸۰: ۱۶). به دلیل ارتباط تنگناگ این رشته با علوم دیگر، واکاوی یک اثر ادبی که تجلی‌گاه دغدغه‌های فکری صاحب اثر است؛ در این حوزه اهمیت ویژه‌ای دارد و چه بسا ما را در شناخت و کشف ایدئولوژی‌های پنهان متن کمک می‌کند. پرداختن به مقوله زن به عنوان یکی از محورهای مهم زندگی اجتماعی، در آثار بسیاری از شاعران عرب به خصوص شاعران عراقی، که تحت تأثیر اندیشه‌های قاسم امین بودند، به چشم می‌خورد (حجّاوی، ۲۰۱۸: ۵۶۱). آنها همگام با روشنفکران، کوشیدند تا برای دفاع از قشر زنان و تبیین ایدئولوژی هژمونی حاکمان و بیان ناعدالتی‌ها، از شعر به عنوان ابزاری تأثیرگذار بهره ببرند. از این رو موضوعاتی از قبیل دانش‌افزایی زنان، حقوق زنان، حضور زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، بازتاب گسترده‌ای در اشعار شاعران داشته است.

قصیده «عکموها» از آثار ارزشمند محمد مهدی جواهری (۱۳۱۸ ه.ق/ ۱۹۰۰م) است. شاعر در این قصیده به تبیین جایگاه ارزشی زن و تبیین قدرت طبقه حاکم پرداخته و تحت تأثیر ایدئولوژی اسلامی، دغدغه‌های فکری خود را نسبت به دانش‌افزایی زنان و جایگاه اجتماعی آنان به نمایش می‌گذارد. این قصیده پیوند متقابل ادبیات و جامعه را برای خواننده تداعی می‌کند. از این رو، بررسی آن در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی حائز اهمیت است. این پژوهش بر آن است تا با روش تحلیلی - توصیفی به سوالات زیر پاسخ دهد:

جواهری برای تبیین دانش‌افزایی و برشمردن موانع در راه رشد و آگاهی، از چه ابزارهای زبانی و سبکی برای ارائه ایده‌های خود و برجسته‌سازی متن بهره گرفته است؟ ایدئولوژی‌های پنهان در اشعار

جواهری کدام است؟ او چگونه وضعیت جامعه و قدرت حاکم را در قالب متن ادبی برای خواننده تشریح می‌کند؟

۱-۱- پیشینه تحقیق

طبق جستجوهای انجام شده قصیده «علموها»، برای اولین بار مورد تحلیل گفتمان انتقادی قرار می‌گیرد. اما می‌توان آثاری را نام برد که اشعار جواهری را مورد نقد محتوایی و یا ساختاری قرار داده‌اند. کتاب «الإلتزام فی شعر محمد مهدی الجواهری» (۲۰۱۱)؛ (جعفر بهاء‌الدین و علی اکبر مرادیان)، شامل موضوعاتی از قبیل: زندگی، اشعار جواهری و قضایای وطن است. پژوهشگران در ذیل موضوع جهل، مختصری به لزوم تعلیم زنان از دیدگاه جواهری می‌پردازند. در سال ۱۳۹۲ مریم خلیلی در مقاله‌ی «بررسی تطبیقی تعهد اجتماعی در شعر محمد مهدی جواهری و محمد فرّخی یزدی» (کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، سال سوم، ش ۹)، با اهتمام به نظریه مارکسیستی، تعهد اجتماعی دو شاعر ایرانی و عراقی را مورد بررسی قرار داده و با تکیه بر همسان‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، اندیشه‌های مشترک دو شاعر را در موضوعاتی مثل استعمارستیزی و مسائل اجتماعی بررسی کرده است. نرگس انصاری در سال ۱۳۹۳ در مقاله‌ی «شعر جواهری از منظر تحلیل ساختاری»، (ادب عربی، دوره ۶، شماره ۲)، به بررسی دو قصیده دینی «آمنت بالحسین» و «عاشوراء» پرداخته است. محمد تقی زند وکیلی در سال ۱۳۹۶ در مقاله‌ی «العدول الأسلوبی فی شعر محمد مهدی الجواهری» (دراسات الأدب المعاصر، سال نهم، ش ۳۵)، بعد از تعریف لغوی و اصطلاحی «العدول»، به بررسی «العدول الإستبدالیّ و العدول التרכیبيّ» در اشعار جواهری پرداخته است. نتایج حاصل نشان داد جواهری در اسلوب شعری‌اش به سبک دوره عباسی رفته و هدف او در استفاده از اسلوب بلاغی، انتقال احساس و اندیشه و نزدیک شدن با احساسات دردناک مخاطبان بوده است.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- معرفی شاعر و قصیده «علموها»

محمد مهدی جواهری (۱۳۱۸.ه.ق/۱۹۰۰م) از شاعران بزرگ کشور عراق است. بیشتر اشعار او، انعکاس دغدغه‌های فکری وی نسبت به مسائل جامعه است. سلمی الخضراء الجیوسی وی را از اندک شاعرانی به شمار آورده است که به خوبی توانسته با سرزمینش و حتی جهان عرب ارتباط برقرار کند و حوادث بزرگی را در شعرش ثبت نماید (الجیوسی، ۲۰۰۱: ۳۵۰). او با تحولات زندگی اجتماعی زمان خود، گام برداشت و بیش از نیم سده، گرایش خود را به سرودن اشعار میهنی حفظ نمود (روؤف، ۱۹۷۴: ۳۴۳). حتی اشعار فراوانی در مورد مسائل کشورهای خاورمیانه خصوصاً فلسطین و قدس سرود. (ر.ک. فتحی دهکردی، ۱۳۹۷: ۱۰۸ - ۸۹).

شعر جواهری از حیث ساختار، همان شعر سنتی عرب است. او با پرداختن به قضایای عصر در قالب ادب قدیم، به شعرش رنگ جدیدی داد (العلوی، ۱۹۶۹: ۱۷۸). جواهری نسبت به دو شاعر پیشین خود زهاوی و رصافی، در به‌کارگیری واژگان قدیمی، میل بیشتری داشت (حجّاوی، ۲۰۱۸: ۱۲) برجسته‌ترین نبوغ شعری جواهری، تصویرپردازی اوست. تأثیر پذیری او از قرآن و نهج البلاغه سبب شد تا با مهارت کامل در اشعارش تصویرپردازی کند (الخوری، ۱۹۶۰، ۱۹۵۰: ۲۴۴). او هم از حیث مضمون و هم از حیث موسیقایی از قرآن تأثیر گرفته است (ر.ک. مرادیان، ۱۳۹۱: ۲۹۹-۲۶۷). افزون بر آن، دو منبع اصلی «ادب قدیم» و «زندگی مردم عراق» نیز در تصویرپردازی اشعار جواهری نقش مهمی ایفا می‌کند. (جبران، ۲۰۰۳: ۱۹۸).

یکی از قصائد معروف جواهری، قصیده «علموها» است. این قصیده دارای ۳۷ بیت است. جواهری آن را در سال ۱۹۲۹ در مورد ضرورت دانش‌افزایی زنان و پیامدهای بی‌سوادی آنها، سروده است. شاعر در این قصیده، اوضاع اجتماعی کشور عراق و مشرق زمین را در اوایل قرن بیستم به نمایش می‌گذارد. آغاز و چگونگی به روی صحنه رفتن این اثر، مقبولیت مخاطب را به همراه دارد.

جواهری قصیده را با فعل امر «علموها» آغاز می‌کند و در همان دو بیت اول با به‌کارگیری سه واژه «کفائکم، کفاهها و کفانا»، با خطاب قرار دادن سه گروه از جمله دولتمردان، زنان، خودش و مردم، روح آزرده خود را نسبت به عدم اهتمام به دانش‌افزایی زنان تصویر می‌کشد. او با شگرد خاص خود توانست رویکرد اجتماعی و دغدغه ذهنی خود در مورد تأثیر دانش و آگاهی بر ایفای نقش‌های اجتماعی متعدد از سوی زنان را در سه جایگاه اساسی دختر، همسر و مادر، تنها در ۳۷ بیت به تصویر بکشد و خواننده را تحت تأثیر قرار دهد.

این قصیده برای جواهری نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. به گفته خودش «شاعر باید گستاخی خطر کردن را داشته باشد تا شاعری را به کمال برساند. سرودن قصیده «مدرسة البنات» و «علموها» از کارهای خطرناکی است که انجام داده است و بر خود می‌بالد که این دو قصیده در عراق غوغا به پا کرده و موجبات تاسیس مدارس دخترانه را رقم زد» (میرزایی، ۱۳۷۵: ۷۹-۷۶). جواهری در این قصیده افزون بر دعوت به دانش‌افزایی زنان، عوامل عقب‌ماندگی، قدرت حاکمان و ایدئولوژی و ناعدالتی آنها را به صراحت بیان می‌کند.

قصیده «علموها» در جلد ۱ و در صفحه ۴۶۳ دیوان جواهری آمده است. در این پژوهش، قصیده «علموها»، بر اساس سه اصل اساسی توصیف، تفسیر و تبیین در تحلیل گفتمان انتقادی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۲-۲- توصیف قصیده «عَلْموها»

هدف از سطح توصیف، بررسی متن از لحاظ واژگانی، روابط معنایی، ارزش‌های بیانی، نوع جملات (از جهت معلوم، مجهول، مثبت، منفی و ..) و شناخت ارتباط منطقی بین لفظ و معناست (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۲ - ۱۷۰). در این سطح، متن بر اساس مشخصه‌های زبان‌شناختی اعم از آواشناسی، واج-شناسی، نحو، ساخت واژه یا صرف و معنی‌شناسی و تا حدودی کاربردشناسی، مورد توصیف و تحلیل واقع می‌شود (کلانتری، ۱۳۸۸: ۲۸-۲۷). پژوهشگران در تحلیل متن ادبی به دنبال آنند که شاعر چگونه از ابزارهای کلامی در انتقال پیام خود و تأثیرگذاری بیشتر بهره می‌برد؟ جملات چگونه بیان می‌شوند؟ آیا ارتباطی بین متن و محتوا وجود دارد؟ موضوع پیام متن در ارتباط منطقی با کلمات و واژگان چگونه در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند؟ شاعر از چه گونه زبانی برای انتقال پیام استفاده کرده است؟

۱-۲-۲- واژگان و عبارات

شاعر در ابتدای قصیده بدون مقدمه وارد موضوع اصلی گفتمان که همان ضرورت دانش‌افزایی زنان است، وارد می‌شود. از فعل امر «عَلْموها» بر اساس مقتضای حال بهره می‌گیرد. این امر نشان از اهمیت موضوع نزد شاعر دارد. روی صحبتش با تمامی افرادی است که می‌توانند در پیشرفت این قشر، تأثیرگذار باشند. اسلوب انشایی، سخن صریح و خطابی بودن کلام، سبب می‌شود تا انتقال پیام بین گوینده و شنونده به سرعت انجام شده و بیشترین تأثیر را در مخاطب به جا گذارد. جواهری در این قصیده، بر لزوم دانش‌افزایی زنان و ورود آنها به فعالیت‌های اجتماعی تأکید می‌کند. شرایط حاکم در عراق و مشرق زمین را به تصویر کشیده و از ممنوعیت آموزش زنان می‌نالد. قدرت و شرایط موجود جامعه، تعیین‌کننده شکل گفتمان اوست؛ از این رو قصیده را با رویکردی انتقادی و در اسلوب خطابی با فعل امر «عَلْموها» آغاز می‌کند:

عَلْموها فقد كَفَاكُمْ سَنَاراً وَكَفَاها أَنْ تَحْسَبَ الْعِلْمَ عَاراً
وَكَفَانَا مِنَ التَّقَهُرِ أَنْنَا لَمْ نُعَالِجْ حَتَّى الْأُمُورِ الصِّغَارَا

سپس عاملان عقب‌ماندگی فرهنگی زن را که به علت ترس از رویکرد ضد دینی مدارس به عنوان رهاورد فرهنگ غربی، مانع تحصیل آنان می‌شدند، مورد خطاب قرار می‌دهد و سخنش را با حرف تأکید «قد» همراه می‌سازد: «فَقَدْ كَفَاكُمْ سَنَاراً». واژه «سَنَاراً» در شروع قصیده، به معنای «أَقْبِحُ العار» (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۳۵۶) است و بار منفی بیشتری نسبت به واژه «عار» دارد. این واژه، نشان از خشم

شاعر نسبت به عدم تحصیل زنان است. کما اینکه شاعر از کلمه "عار" در مصرع دوم نیز استفاده می-کند: «وَكَفَّاهَا أَنْ تَحْسَبَ الْعِلْمَ عَارًا»

از آنجا که شاعر خود را عضوی از این مردم می داند؛ با به کارگیری فعل «کفانا» در قالب «متکلم مع الغیر»، خودش و جامعه با هم مورد سرزنش قرار می دهد: «وَكَفَّانَا مِنَ التَّقَهَّرِ أَنْ نَأْتِيَهُمْ نَعَالِجَ حَتَّى الْأُمُورِ الصَّغَارِ»

شیوه شاعر در شروع گفتمان، با تکرار واژه «کفی» همراه است: «كفأكم، كفأها، و كفأنا»، او با این شیوه، روح آزرده خود را نسبت به عدم توجه به دانش افزایی زنان، به تصویر کشیده و ذهن خواننده را به اهمیت موضوع معطوف می دارد.

انزجار جواهری نسبت به عدم توجه به دانش افزایی زنان، در سرتاسر قصیده مشهود است. کاربست واژگانی از قبیل: «شمار، عار، التقهقر، إتحار، خصومة، شجار، اضطرار، سوف تُخَذَلُونَ، مراراً، مغلوب، قزم، قبضة الجهل، أن تموت، ضعيف، الضنط، احتقار، المرأة الجهولة، داس، إزدراء بالدين، الدمار، يُصارغ، نار، احتكار، عُميانا، جهل، خزية، بلاء الأيان، بغياً، الشدائد، الأثقال، أوزار، العثار، وحوش، هوج، أوزار، شنائع، أخطار و فائتک» که دارای بار منفی هستند؛ نشان دهنده خشم و غضب شاعر از وضعیت جامعه روزگارش است و با موضوعی که ارائه می دهد تناسب دارد.

از آنجا که جواهری موافق حضور زنان در جامعه و مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی است، از مسؤولیت خطیر مادری، غافل نمانده است. او می داند تعلیم و تهذیب زن، پیامدهای نیکویی را در پی خواهد داشت و اگر به این امر توجه شود؛ چه بسا زن می تواند انسان‌های بزرگ و شایسته را در دامانش پرورش داده و تحویل جامعه دهد:

أَيْنَ، عَن حَرَمَةِ الْأُمُومَةِ دَأَسَتْهَا وَحَوْشٌ، الْمَصْلُحُونَ الْغِيَارِ
قَادَةَ لِلْجُمُودِ وَالْجَهْلِ فِي الشَّرْقِ عَلَى الشَّعْبِ تَنْصُرُ اسْتِعْمَاراً
لَوْ بَكَفَى مَلَأْتُ دُورَ الْمُحَامِيْنَ عَنِ الْمَرْأَةِ الْجَهُولَةِ نَاراً

به کارگیری واژه «الأمومة»، بار معنایی عاطفی را به خواننده انتقال می دهد. شاعر فکر و اندیشه و احساس خواننده را با حس و اندیشه خود پیوند می زند.

کاربست واژه «وحوش» از سوی شاعر، ضمن تحقیر دشمن، اوضاع سیاسی - اجتماعی کشور را به تصویر می کشد و نشان از حضور بیگانگان و دخالت آنها در امور کشور دارد. جواهری معتقد است نقش زنان نادیده گرفته شده است. او حاکمان قدرت طلب را عامل اصلی بی انصافی در حق زنان می-داند.

واژه «قادة» در جایگاه مسندالیه، به صورت نکره آمده است. در مباحث نحوی زبان عربی، اصل آن است مسندالیه معرفه باشد. نکره آوردن مسندالیه وجوه بلاغی نظیر تحقیر، تقلیل، تکثیر و ...

دارد(تفتازانی، ۱۳۸۸: ۸۵ - ۸۴). در این بیت، با توجه به اینکه واژه «قاده» جمع کثرت است؛ احتمال دارد دلیل نکره آمدن آن، تکثیر باشد. در نگاه شاعر، رهبرانی وجود دارند که با امر تحصیل زنان به مخالفت برخاسته‌اند؛ از این رو بستر جامعه را برای حضور بیگانگان فراهم آورده‌اند.

شاعر در ترکیب «المرأة الجهولة»، در عبارت «لو بکفی ملأْتُ دور المُحامینَ عَن المرأةِ الجهولةِ ناراً»، شدت انزجار خود را بیان می‌کند. واژه «الجهولة»، دلالت بر اسم مبالغه دارد. شاعر با کاربرد این واژه، در صدد نشان دادن عمق و عواقب سطح فکر عدم تحصیل زن است. همان‌طور که در قسمت دیگری از اشعارش برای نشان دادن عمق فاجعه‌ی عدم توجه به علم و دانش، از «لای نفی جنس» استفاده می‌کند:

لا خیرَ فی ملکٍ ما لم یُشَدَّ علی‌أسسِ العلمِ بُنیانهُ

در نگاه جواهری پیامد جهل و نادانی برای زن بسیار سنگین است. او خودکشی را بر نادانی ترجیح می‌دهد:

إنَّ خیراً مِن أن تَعیشَ فتاةً قبضةَ الجهلِ أن تَموتَ انتحارا

واژه «انتحار» و عبارت‌های دردمندانه جواهری، نشان از انتقاد او از جامعه زمانش دارد.

او برای مقابله با افکار مخالفان حضور زنان در جامعه، به مقایسه جوامع شرقی با غربی می‌پردازد:

هذه حالنا علی حین کادت	أمم الغربِ تَسبِقُ الأقطاراً
أنجبَ الشرقُ جامداً یحسبُ المر	أه عاراً وأنجبت طیاراً
تحکم البرلمان من أمم الدنیا	نساءً تمثُلُ الأقطاراً
ونساءُ العراق تُمنعُ أن ترسمَ	خطاً أو تقرُّ الأسفاراً

عبارت «هذه حالنا» و مقایسه‌ای که بین پیشرفت غربی‌ها و راکد ماندن افکار شرقی بیان می‌دارد؛ بر شدت اندوه شاعر صحنه می‌گذارد.

در برخی از ابیات قصیده، افعال مجهول مثل: «تُمنع» در بیت بالا و «یُحسب» دیده می‌شود:

إزدراء بالدين أن يُحسبُ الدينُ بجهلٍ وخزيرةٍ أماراً

کاربرد افعال مجهول «تُمنع» و «یُحسب»، نشان می‌دهد عاملان مخالف تحصیل زن، گروه و یا فرد خاصی نبوده است. بلکه سرزنش او شامل همه کسانی است که با دانش‌افزایی زن به مخالفت برخاسته‌اند.

بررسی واژگان و عبارات در سطح توصیف نشان می‌دهد در این گفتمان بین موضوعی که شاعر ارائه می‌دهد و انتخاب الفاظ، هماهنگی وجود دارد. علاوه بر آن از موسیقی محکمی برخوردار است.

۲-۲-۲- انسجام

پیوندهای صوری بین جملات یک متن، به صورت عام، انسجام خواننده می‌شود. انسجام ممکن است در بردارنده پیوندهای واژگانی بین جملات باشد؛ مثل تکرار کلمات یا کاربرد کلمات مرتبط (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۹۹). انسجام و پیوستگی یک متن در دستور، واژه و معنا روی می‌دهد. اگر متنی بخواهد معنادار باشد لزوماً باید معنی‌دار، هماهنگ و خوش ساخت باشد (آقاگل زاده، ۱۳۸۵: ۹).

یکدستی فضای شعر، رعایت وحدت موضوع، توجه به ارتباط و پیوستگی از مهم‌ترین ویژگی این قصیده است. زبان استوار و کوبنده شاعر از ابتدا تا انتهای قصیده حفظ شده است. به تمام جوانب تحصیل توجه نموده است. دانش‌افزایی زن را در سه جایگاه دختر، مادر و همسر ترسیم می‌کند. از همان شروع قصیده برای تشویق و آگاهی مخاطب از ضمیر «خطابی» استفاده می‌کند تا ارتباط معنایی بین جملات حفظ شود.

شروع قصیده بر تکرار مصوت بلند «الف» استوار است. مصوت «الف» جزء اصوات «مد و لین» به شمار می‌آید. از نظر ناقدان صدای مد و لین به علت دارا بودن قوت و فخامت، عنصری مهم در زیباشناسی یک اثر ادبی است (سلوم، ۱۹۸۳: ۵۱).

شاعر برخی واژگان را تکرار می‌کند. تکرار کلامی از مسائل قاعده‌افزایی در شعر است. قاعده-افزایی «چیزی نیست جز «توازن» در وسیع‌ترین مفهوم (مدرسی، ۱۳۸۷: ۱۳۰-۱۲۷). در شروع دو بند از ۶ بند قصیده، واژه «عَلْمُوها» دو بار آمده است. واژه «النساء»، «الشرق» و «الشعب» هر کدام ۵ بار، «کفا» ۳ بار، «الدین» ۳ بار، «احتقار» ۳ بار، «جهل» ۳ بار، «جامد» ۲ بار، «الغیاری» ۲ بار و عار ۲ بار در طول قصیده تکرار شده اند.

بین واژگانی هم‌آیی برقرار است و می‌تواند در یک مجموعه قرار بگیرند. کاربست الفاظ متضاد از قبیل: «النساء و الرجال، صغار و كبار، ضعیف و جبار، جامد و تجدید، شرق و غرب و الفاطی مثل الرجال، الأحرار، الشعب، الجماهير، نهوض، استعمار، البرلمان، سياسة، أمم الغرب، أمم الدنيا، الشرق، إزدراء، احتقار، الجامد، الجمود، التجديد، الدین، ادیان»، انسجام منطقی را در طول قصیده تأیید می‌کند و نشان می‌دهد شاعر از چارچوب معنای مورد نظر خارج نشده است.

استفاده از فن تشبیه سبب تثبیت معنای مورد نظر در ذهن می‌شود. شاعر در قسمتی از سخنش به منظور آگاهی و هشدار مخاطب، با استفاده از فن تشبیه، ناتوانی مشرق زمین را در مقابل غربی‌ها به تصویر می‌کشد:

وَأرى جامدًا يصارعُ تجديدًا كَقَرْمٍ مُصارعٍ جَبَّارًا

در این قصیده با تنوع جملات مواجه هستیم. شاعر برای آگاهی‌دادن، هشداردادن، تأکید و توجیه مخاطبان، اغراض خود را در اسلوب‌های خبری، امری، نهی، استفهامی، شرطی و نفی بیان کرده است.

کاربست اسلوب استفهام در سطح وسیعی از اشعار جواهری مشهود است. در اکثر موارد، استفهام در اشعار جواهری دلالت بر معنای مجازی همچون حسرت، تأسف، سخریه، تشویق، استفهام انکاری و غیره دارد (غالب، ۲۰۰۹: ۱۰۳-۹۴).

در قصیده «عَلْمُوها» شاهد سه جمله استفهامی هستیم. شاعر ابعاد تعلیم و پیامدهای عدم تحصیل را به همراه ملامت و سرزنش مخالفان امر تحصیل، در اسلوب استفهامی به تصویر می‌کشد:

فمن أجل أن تعيشوا تُريدونَ	لثَلْثَى أهل البلادِ الدمارا؟
أى نفعٍ من عيشةٍ بين زوجين	بعيدین نزعَةَ وإختبارا؟
أین، عن حرمة الأمومة داستها	وحوش، المصلحونَ العیاری؟

در تمامی این موارد، استفهام از معنی اصلی خود که همان درخواست آگاهی از مجهولات است، خارج شده است. از روند و دلالت سخن بر می‌آید که شاعر به دنبال معانی ثانویه است.

در بیت اول شاعر در اسلوب انکاری می‌پرسد آیا به خاطر زندگی است که برای یک سوم از اهل سرزمین نابودی را می‌خواهید؟! قطعاً هدف شاعر در این ابیات آگاهی دادن، هشدار دادن و همچنین سرزنش و نکوهش افکار خرافی است.

استفاده از کلمه «أی»، در جمله استفهامی دوم، اختلاف آگاهی و فرهنگی بین همسران را نشان می‌دهد. در جمله استفهامی سوم، شاعر بدنبال افراد مصلح غیوری است تا از حقوق مادری که استعمارگران آن را لگدمال کردند، دفاع کنند. ترکیب «المُصلونَ العیاری» شخصیت‌های زیادی همچون سیدجمال‌الدین افغانی و محمد عبده را برای خواننده تداعی می‌کند.

۳-۲- تفسیر قصیده «عَلْمُوها»

از نظر فرکلاف، تفسیرها ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است و مقصود از ذهنیت، دانش زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌بندد. ویژگی‌های صوری متن، سرنخ‌هایی هستند که عناصر دانش زمینه‌ای مفسر را فعال می‌سازد. در حیطه تفسیر، متن از جنبه «بافت بینامتنی» گفتمان از دیدگاه تاریخی) و بافت موقعیتی (چیستی ماجرا؟ درگیرشدگان ماجرا؟ روابط بین آنها و نقش زبان)، ظاهر کلام، معنای کلام، انسجام موضعی و ساختار و جان مایه متن» بررسی می‌شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵-۲۱۵). بنابراین تفسیر متن بر مبنای آن چه که در سطح توصیف بیان شد، به تحلیل بافت موقعیت، مفاهیم، راهبردهای کاربردشناسی و عوامل بینامتنی می‌پردازد.

۳-۲-۱- بافت بینامتنی

ارتباط دوسویه‌ای که بین شرایط سیاسی و اجتماعی با متن برقرار است (کلانتری، ۱۳۸۸: ۲۸-۷)، در قصیده «عَلْمُوها» کاملاً مشهود است. این قصیده حاصل شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه زنان، در

اوائل قرن بیستم است. شاعر با ارتباط دادن بین تعالیم دینی و گفتمان سیاسی، معنای جدیدی به قصیده بخشیده است. قدرت حاکمان و مخالفان را در عدم دانش افزایشی قشر زنان ترسیم می‌کند؛ در نتیجه با یک انسجام خاصی، لزوم دانش و آگاهی زنان و پیامدهای عدم تحصیل زنان را بر شمرده است.

جوهری این قصیده را در سال ۱۹۲۹م، بعد از بازگشایی مدرسه دختران که با مخالفت برخی علمای آن زمان رو به رو شد؛ سرود چرا که این رویکرد با تعالیم اسلامی همخوانی نداشت. گوستاو-لیون محقق فرانسوی، در کتاب تمدن اسلام نوشته است که اسلام تنها دینی است که در اصلاح حال زن و پیشرفت و ترقی او قدمهای وسیعی برداشت (علویقی، ۱۳۲۴: ۳۸ - ۳۷).

جوهری زن را قشر فعال جامعه بر می‌شمارد. بر لزوم دانش‌افزایی و ورود او به فعالیت‌های اجتماعی تاکید می‌کند. شرایط حاکم در عراق را به تصویر می‌کشد و از ممنوعیت آموزش زنان می‌نالند؛ در نتیجه قدرت و زور و شرایط موجود جامعه، تعیین کننده شکل گفتمان اوست از این رو قصیده را بدون مقدمه و با رویکردی انتقادی آغاز می‌کند.

لازم به ذکر است در کشورهای مشرق زمین، علاوه بر استعمارگران، برخی از علماء نیز _ از ترس بد نام شدن زنان _ از حضور زن در اجتماع ممانعت به عمل می‌آوردند. چرا که این گمان می‌رفت زنان عامل بدنامی و ناپاکی جامعه خواهند شد (جلال زاده، ۱۳۸۰: ۱۳). جوهری بر این طرز فکر برخی رهبران انتقاد می‌کند:

أین، عَن حَرَمَةِ الْأُمَمَةِ دَأَسَتْهَا	و حَوْشٌ، الْمَصْلُحُونَ الْغِيَارَى
قَادَةَ لِلْجُمُودِ وَالْجَهْلِ فِي الشَّرْقِ	عَلَى الشَّعْبِ تَنْصُرُ اسْتِعْمَاراً
لَوْ بَكَفَى مَالَتْ دُورَ الْمُحَامِينَ	عَنِ الْمَرْأَةِ الْجَهُولَةِ نَاراً
ازدراءً بِالدِّينِ أَنْ يُحَسَّبَ الدِّينُ	بِجَهْلِ وَ خَزِيَّةٍ أَمَّاراً
و بلاء الأديانِ فـى الشَّرْقِ هُوَجٌّ...	بِاسْمِهِ سَامُوا التَّفُوسَ احْتِكَاراً

شاعر مفاهیم دینی را با سیاست پیوند می‌زند. از نظر او نباید مانعی برای تحصیل زن وجود داشته باشد. او یکی از مظاهر عقب ماندگی جامعه را، عدم حضور فعال زنان در جامعه می‌داند. این طرز فکر جوهری، تحت تأثیر جمال الدین افغانی، کواکبی و محمد عبده است که همچون آنها از درد عقب ماندگی و نادانی رنج می‌برد (بهاء الدین، ۲۰۱۱: ۳۰۳).

در قسمتی از قصیده، جوهری زنان جهان را با زنان عراقی مقایسه می‌کند و عنوان می‌کند زنان در پارلمان‌ها و مجالس جهان، امورات حکومتی را بدست گرفته‌اند و مشغول امورات سیاسی و اکتشافات و اختراعات علمی هستند، ولی زنان عراق از کسب هر گونه تجارب سیاسی و حتی از نوشتن یک خط و حتی خواندن کتاب محروم شده‌اند. او روح آزرده خود را اینگونه به تصویر می‌کشد:

تَحْكَمُ الْبِرْلِمَانُ مِنْ أُمَّمِ الدُّنْيَا "نِسَاءً تَمْثُلُ الْأَقْطَارَا
 وَنِسَاءَ الْعِرَاقِ تَمْنَعُ أَنْ تَرْسَمَ خَطًّا أَوْ تَقْرَأَ الْأَسْفَارَا"

در نگاه جواهری پیامدهای جهل برای زن بسیار گران و سنگین است. از نظر او خودکشی برای یک زن بهتر از زندگی در جهل و عقب ماندگی است:

إِنَّ خَيْرًا مِمَّنْ أَنْ تَعِيْشَ فِتْنَةً قَبِيْضَةَ الْجَهْلِ أَنْ تَمُوْتَ اِتْتِحَارَا

عبارت‌های دردمندانه شاعر، نشان از انتقاد شاعر از جامعه زمانش دارد. این بی‌عدالتی‌ها نسبت به زنان، محصول استعمار، استبداد و مخالفان اسلام بود. چه بسا شخصیت‌بخشی یکسان زن و مرد در اسلام، برایشان گران آمد و به دسیسه‌ها متوسل شدند تا زن اسلامی از حضور در اجتماع و فعالیت‌های اجتماعی منع شود. غرب به دنبال این بود تا عادات و تقالید خشک را به دین و تعالیمش نسبت بدهد و از این راه به عقب‌ماندگی مسلمانان دامن بزند و عقب‌ماندگی زن را دلیلی برای تنزل جایگاه اسلام و مسلمانان بدانند (العلوانی، ۲۰۰۳: ۱۴۵).

۲-۳-۲- بافت موقعیتی

از دیدگاه فرکلاف، در تحلیل و بررسی متن ادبی در قسمت تفسیر، باید دید ماجرای متن چیست و چه کسانی درگیر ماجرا هستند؟ (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۲۴). جواهری در این قصیده، فقط به ابعاد تحصیل و کسب معارف زنان اکتفا ننموده است؛ بلکه از مسائلی که مربوط به نیازهای فردی قشر زن در جایگاه دختر است، متمرکز شده است؛ چرا که عدم دانش و آگاهی، دختر را در انتخاب همسر درگیر می‌کند. او در قسمتی از اشعارش به مسأله حق انتخاب همسر از سوی دختر وارد می‌شود. از نظر او باید به دختران حق انتخاب داده شود تا برای مصلحت و منافع خویش وارد عمل شوند و از اجبارکردن آنها پرهیز کرد:

اِخْتِيَارًا بِالْبَنْتِ سِيْرُو اِلَى الْحَهَا قَبْلَ اَنْ تَسِيْرُو اِضْطْرَارَا

همچنین از تحت فشار قراردادن و سخت گرفتن افراطی منع می‌کند:

فَعَلِيْ قَدْرَ مَا تَزِيْدُوْنَ فِي الصَّغَطِ عَلِيْهَا سَتُوْجِدُوْنَ اِنْفِجَارًا

در تحلیل قصیده در حوزه تفسیر و روابط بینامتنیت، به گفت‌مان‌ها و متون‌ها از چشم‌انداز تاریخی نیز نگریسته می‌شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۳۵). در این قسمت، ارتباط متن با ایده‌های روان‌شناختی و تعالیم دینی و اخلاقی، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اگر به تاریخ اسلام رجوع کنیم می‌بینیم زن به عنوان یکی از ارکان مهم کانون خانواده، قوام بخش هسته اصلی خانواده است که فعالیتش در جامعه سبب بهبود وضعیت اجتماعی می‌شود. نقش اساسی زن در اسلام در خانواده و در جامعه هم به عنوان همسر و هم به عنوان مادر، مورد تأکید قرار گرفته -

است چرا که رفتار برخاسته از ارزش‌های والای اسلامی و انسانی سبب پرورش کودکانی آکنده از تقوا و معرفت بوده و در پی آن جامعه به سمت بالندگی رهنمون خواهد شد. خانواده با محوریت مادر به منزله مدرسه‌ای برای تعلیم و تربیت کودکان است. تا فرزند را با ارزش‌های اسلامی و انسانی آشنا سازد.

جواهری در این قصیده از جایگاه زن به عنوان همسر غافل نمی‌شود و اختلاف سطح آگاهی و فرهنگی را به تصویر می‌کشد و آن را عامل اختلاف بین زن و شوهر می‌داند و این از مهم‌ترین مشکلاتی است که زن معاصر جامعه معاصر از آن رنج می‌برد:

أَيُّ نَفْعٍ مِنْ عَيْشَةٍ بَيْنَ زَوْجَيْنِ بَعِيدَيْنِ نَزْعَةً وَإِخْتِبَارًا
و خِلَالَ الْبَيْوتِ لَا تَجِدُونَ الْيَو مَ إِلَّا خُصُومَةً وَ شِجَارًا

جواهری به تمامی جنبه‌های تحصیل زن توجه داشته است. به زیرساخت‌ها اهمیت داده است. بعد از گلایه زیاد، حسرت و اندوه فراوان خود را با کاربرد جمله استفهامی "أَيُّ نَفْعٍ مِنْ عَيْشَةٍ....." به تصویر می‌کشد. در واقع او از این سبک گفتاری برای تأثیرگذاری بیشتر در مخاطب استفاده می‌کند. همانطور که از زبان به صورت ابزاری و در جهت تحقق بخشی از یک هدف نهادی استفاده می‌شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۲۵). از نظر جواهری هیچ نفع و فایده‌ای در زندگی دو زوجی که تفاهم ندارند، نیست. اگر چه در زیر یک سقف زندگی کنند؛ در نتیجه تأثیر ناخوشایندی بر روان آنها باقی می‌گذارد. از نظر او ایفای درست نقش همسر، در پی آگاهی زوجین صورت می‌گیرد. او بحث و مشاجره در خانواده را، نتیجه عدم شناخت و آگاهی دو طرف می‌داند. همان‌گونه که در قرآن کریم زن و مرد را به عنوان کامل‌کننده یکدیگر آمده است. آیه ۱۸۷ سوره بقره ﴿هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ﴾، مبین این مطلب است.

در واکاوی قصیده «علموها» در سطح تفسیر، می‌بینیم «مادر» نیز درگیر ماجراست. شاعر از نقش مهم مادر غافل نمانده است. خانواده اساسی‌ترین نهاد اجتماعی و اولین هسته جامعه است که در آن انسان تربیت می‌شود. مسئولیت اجتماعی زنان در کنار اولویت دادن به مسئولیت‌های خانوادگی معنا پیدا می‌کند، اما این مسئولیت‌های خانوادگی نباید مانع حضور و فعالیت‌های اجتماعی زن شود.

سید جمال الدین افغانی که جواهری نیز تحت تأثیر اندیشه‌های وی بوده است، در مورد لزوم دانش‌افزایی زنان این چنین می‌گوید: «مسلمانان اگر به زنان اجازه تحصیل ندهند، از ضعف، جهالت و رسوایی نجات نمی‌یابند. طفل در آغوش مادر خود تعلیم ابتدایی، تفکر و اخلاق را فرا می‌گیرد. آغوش مادر اولین مدرسه فطری انسان است که در آن طفل از مسایل دین و دنیا آگاه می‌گردد و اخلاق و شخصیتش شکل می‌گیرد. اگر مادر جاهل و بی‌بهره از علم باشد و با وجود موجودیت مردان لایق و کاردان و جامعه مرفه و آباد، این نعمت‌ها هیچگاه به نسل بعدی انتقال نمی‌یابد و تمام ملت به زودی

در قعر ذلت فرو خواهد غلتید» (عبدالقیوم، ۱۳۸۷: ۱۰۹-۱۱۰). جواهری همان‌گونه که موافق حضور زنان در جامعه و شرکت آن‌ها در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی است از مسوولیت خطیر مادری غافل نمانده است. وی می‌داند تعلیم و تهذیب زن پیامدهای نیکویی را در پی خواهد داشت و اگر به این امر توجه شود چه بسا زن می‌تواند انسان‌های بزرگ و شایسته را در دامانش پرورش داده و تحویل جامعه دهد:

عَلْمُوها و أوسعوها من التهذيب ما يجعلُ النفوسَ كباراً

شاعر در این بیت مفهوم ارزشمندی را گنجانده است که با ایدئولوژی دینی پیوند می‌خورد که زن را تنها موجود تربیت‌کننده انسان‌های والامقام به شمار می‌آورد. بنابراین تربیت صحیح کودک توسط مادر و ادامه آن تا مراحل عالی تحصیل، موجب سعادت جامعه است. پس نقش بانوان در پرورش نسل‌های آینده و انتقال میراث و ارزش‌های دینی و فرهنگی از سایر افراد بیشتر است.

۴-۲- تبیین قصیده «عَلْمُوها»

از نظر فرکلاف، هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی است؛ تبیین، گفتمان را به عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشد؟ (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵). این سطح به توضیح چرایی تولید چنین متنی، در ارتباط با عوامل جامعه‌شناختی، تاریخی، گفتمان، ایدئولوژی، قدرت و دانش فرهنگی - اجتماعی می‌پردازد (کلانتری، ۱۳۸۸: ۲۸-۷).

قصیده «عَلْمُوها»، حاصل فکر و اندیشه شاعری مسلمان است که در محیطی اسلامی و تحت تاثیر آموزه‌های دینی، به تبیین نقش علم و دانش در جامعه اسلامی پرداخت. در اسلام علم و دانش به عنوان یک اصل مهم تلقی می‌شود. در قرآن و تعالیم انبیاء به امر تحصیل بسیار توجه شده است. نخستین آیات نازل شده بر پیامبر گرامی ما، نعمت تعلیم خداوند به انسان است ﴿أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ (۱) ﴿علق/سوره ۹۶﴾. پیامبر گرامی نیز دانش‌اندوزی را یک امر واجب برشمردند و فرمودند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ». در حدیث مشهور دیگر از آن حضرت، لزوم فراگیری علم و دانش مورد تاکید قرار گرفته است: «أَطْلَبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّهْدِ». در متون اسلامی نیز به طور مستقیم به تبیین نقش زنان به خصوص زنان تحصیل کرده‌ی دینی، در تربیت فرزندان، پرداخته شده است.

در مصاحبه‌ای که از جواهری در مورد لزوم آموزش زنان به عمل آمده چنین پاسخ داده است: «در سال ۱۹۲۶ که بیست و پنج ساله بودم در شهر نجف نخستین قصیده‌ام را در دفاع از زن سرودم. این شهر به واسطه وجود مرقد مقدس امام بزرگوار علی بن ابی طالب^(ع)، شهر مقدسی است و از استان‌های بزرگ به شمار می‌آید. در این شهر زنان در خانه‌ها دانش می‌آموختند. برای نمونه در منزل خاندان "کاشف العطاء"، یک یا دو دختر به درجات عالی فقه دست یافتند و یا در خانواده جواهری یک یا دو دختر به

مراحل بالای علم رسیدند. همچنین در خاندان سادات مانند «بحر العلوم» به جز این آموزش دختران در مدرسه ممنوع بود او در ادامه سخن، قصیده «عَلْموها» و «مدرسه البنات» را عاملی مؤثر در ساخت مدرسه در عراق می‌داند. (میرزایی، ۱۳۷۵: ۷۸).

جواهری در قصیده «عَلْموها»، پنج عامل مهم را در پیامدهای عقب ماندگی و عدم توجه به دانش افزایی زنان مؤثر می‌داند: ۱- استعمار ۲- حاکمان مستبد ۳- برخی از عالمان دینی ۴- مردم ۵- عدم توجه و اهمیت قشر زنان به مصلحت خویش. جواهری از آنچه به اسم دین رواج یافته است گله‌مند است. از نظر وی، زن در جامعه شرقی از درس و سواد و بسیاری از حقوق انسانی و امکانات اجتماعی و آزادی رشد و کمال و پرورش و اندیشه محروم شده است. حتی با نام اسلام، حقوق و مزایایی که خود اسلام به زن داده است، از او بازگرفته شده است. این در حالی است که اسلام به پاسداری از تمام حقوق زنان، دست او را گرفت در بدترین موقعیت زمانی و مکانی او را در کنار مرد قرار داد و هر آنچه را که جامعه را می‌سازد و صحبت از زندگی معنوی انسانیت انسان می‌کند به زن و مرد یکسان تعلیم می‌دهد. در واقع این نابرابری‌ها غیر آن چیزی است که اسلام خواسته است خداوند در آیه ۱۳ حجرات: ﴿إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾، برابری حقوق زن و مرد را مطرح می‌کند و تنها تقوی را عامل برتری بر می‌شمارد. جواهری در این قصیده عنوان می‌کند که دین را تحقیر کرده‌اند؛ از این رو بر رهبرانی که مخالف دانش‌افزایی زن و پیشرفت و آگاهی او هستند، می‌تازد و معتقد است آنان با این افکار، استعمارگران را در رسیدن به اهدافشان یاری می‌کنند.

جواهری در بند آخر قصیده، عوامل عقب‌ماندگی عراق و قدرت حاکم را به تصویر می‌کشد زیرا در آن زمان، به مردم اجازه دخالت در امورات کشور داده نمی‌شد و آنها تحت دستور صاحبان قدرت بودند. حاکمانی که با تکیه بر هژمونی، هر آنچه را خودشان صلاح می‌دانستند، اعمال می‌کردند.

حَاكِمٌ مَطْلُقٌ يَكُونُ بِمَا يَعْرِفُ
مِنْ خِيَرِ شَعْبِهِ مُخْتَارًا

او حتی کل مشرق زمین را قربانی استبداد می‌داند:

يَتَحَرَّى هَذِي الشَّنَاعَ فِي الشَّرْقِ
بِنَفْسٍ لَا تَرَهَّبُ الْإِخْطَارًا

در قسمتی از این قصیده، به خودرای بودن حاکمان اشاره می‌کند و بیان می‌کند اگر حاکم مورد اطاعت قرار بگیرد پس دلسوز خواهد بود در غیر اینصورت، همچون قصابی است که هر شخص نافرمان را از سر راهش برخواهد داشت:

إِن يُطَّعْ كَانَ مُشْفَقًا، وَإِذَا مَا
أَحْوَجُوا كَانَ فَاتِكًا جَزَارًا

جواهری از مردم نیز انتقاد می‌کند از اینکه کارشان را ناآگاهانه به دیگران سپردند و در مسیر غیر خود، حرکت کردند بدون اینکه چشمان خود را باز کنند و آگاهانه برای سرنوشت خود تصمیم بگیرند:

اسلموا أمرهم إلى الشيخ عُمياناً و ساروا یقفونه حیث ساروا

او در بند پایانی قصیده «علموها»، راه حل عقب‌ماندگی را در دستان غیورمردانی می‌داند که برای مجد و عظمت و رهایی از عقب‌ماندگی کشور تلاش می‌کنند. او معتقد است هنوز قلب‌های آزاده‌ای وجود دارد تا ملت را به سوی مجد و بزرگی رهنمون کنند و آنها را از لغزش‌ها و اشتباهات باز دارند:

حالة تلهبُ الغیاری وتستصرخ غلبَ الرجال والأحرار
إنَّ بَیْنَ الضُّلوعِ، ممَّا استغلوهُ بتضلیلهم، قلوباً حراراً

نتیجه‌گیری

قصیده «علموها» با توجه به ویژگی‌های زبانی و محتوای عمیق، در میان آثار ماندگار جواهری جای می‌گیرد. جواهری در این قصیده یکی از دغدغه‌های روزگار زمان خود را به وضوح تبیین کرد. بازتاب تصویر اجتماع و به تصویر کشیدن جایگاه اجتماعی زنان، نشان از شناخت عمیق جواهری نسبت به محیط زمانش دارد. نتایج بررسی قصیده بر مبنای تحلیل گفتمان انتقادی به شرح زیر است:

۱. در سطح توصیف، یکدستی فضای شعر، رعایت وحدت موضوع، توجه به ارتباط و پیوستگی، تنوع واژگان، زبان استوار و لحن کوبنده شاعر در سرتاسر قصیده حفظ شده است. شاعر از ابتدای قصیده برای تشویق و آگاهی مخاطب از ضمیر «خطابی» استفاده می‌کند تا ارتباط معنایی بین جملات حفظ شود. قصیده از اسلوب بلاغی پیچیده بیرون است. شاعر بیان و مقصود خود را در جملاتی روان در معرض نمایش می‌گذارد تا انتقال مفاهیم به سهولت صورت گیرد؛ از این رو خواننده، به آسانی به ایدئولوژی‌های پنهان متن دست می‌یابد.

۲. در سطح تفسیر، شاعر قصیده را با تاریخ، اجتماع، سیاست، روان‌شناسی و تعالیم دینی پیوند می‌زند. تمام جوانب تحصیل توجه نموده است. تحصیل زن را در چهار جایگاه اساسی دختر، همسر و مادر ترسیم می‌کند. او بر آگاهی و علم‌آموزی زنان، در چارچوب آموزه‌ها و ارزش‌های دینی و فرهنگ اسلامی تأکید می‌کند و معتقد است دین و تعالیم اسلامی همواره بر پیشرفت جامعه و دانش-افزایی زنان تأکید داشته‌اند. همچنین از شخصیت‌های قدرت‌طلب که با القای ایدئولوژی هژمونی خود، مانع تحصیل شده‌اند؛ انتقاد می‌کند.

۳. در سطح تبیین، محتوای قصیده «علموها» و جوهر اجتماعی آن، پیوند متقابل ادبیات و جامعه را برای خواننده تداعی می‌کند و نشان می‌دهد ادبیات و جامعه پیوند ناگسستنی دارند. در واقع قصیده تشریح یک مشکل اجتماعی است که با نظام سیاسی - اجتماعی زمان شاعر پیوند اساسی دارد. دیدگاه برخی مخالفان دانش‌افزایی زنان را به تصویر می‌کشد و تصویر دقیقی از وضعیت جامعه زمان خود ارائه می‌دهد. مخاطب شاعر، حاکمان، مردم و مخالفان علم‌آموزی هستند. او به تبیین قدرت حاکمان

که با چشم‌پوشی از عقیده مردم و با تکیه بر هژمونی، دستورات و اوامر خود را اعمال می‌کردند؛ می‌پردازد.

فهرست منابع

منابع عربی

- التفتازانی، سعدالدين. (۱۳۸۸). شرح المختصر؛ الطبعة الخامسة، قم: اسماعيليان
- جبران، سليمان. (۲۰۰۳). مجمع الأضداد، دراسة في سيره الجواهري وشعره؛ الطبعة الأولى، بيروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر.
- الجواهري، محمد مهدي. (۱۹۸۸). ذكرياتي؛ ج ۱، الطبعة الأولى، دمشق: دارالرافدين.
- الجواهري، محمد مهدي. (۱۹۸۲). ديوان جواهري؛ الطبعة الثالثة بيروت: دارالعودة.
- الجيوسي، سلمى الخضراء. (۲۰۰۱). الإتجاهات والحركات في الشعر العراقي الحديث؛ الطبعة الأولى، بيروت: مركز دراسات الوحدة العربية.
- حسيني شيرازي، محمد. (۱۴۲۶)، المرأة في المجتمع المعاصر؛ كربلاء: مؤسسه المجتبي.
- حجابي، عارف. (۲۰۱۸). إحياء الشعر (البارودي والزهاوي و شوقي و حافظ و الرصافي و الجواهري)؛ الطبعة الأولى، قاهره: دار المشرق
- الخوري، أنيس (۱۹۶۰). الإتجاهات الأدبية في العالم العرب الحديث؛ بيروت: دار العلم للملايين
- سلوم، تامر (۱۹۸۳)، نظرية اللغة و الجمال في النقد الأدبي؛ سوريه، اللاذقيه: دارالحوار
- العلواني، رقيه طه جابر. (۲۰۰۳). أثر العرف في فهم النصوص (قضايا المرأة أتمودجاً)؛ الطبعة الأولى، بيروت: دارالفكر المعاصر.
- العلوي، هادي. (۱۹۶۹). محمد مهدي الجواهري، دراسة نقدية؛ نجف: مطبعة النعمان.
- غالب، علي ناصر. (۲۰۰۹). لغة الشعر عند الجواهري؛ الطبعة الأولى، عمان: دارالحامد.
- فتحي دهكردي، صادق. (۱۳۹۷). موتيف القدس و دلالاته في شعر الجواهري؛ السنة التاسع، العدد واحد و الثلاثون، صص ۱۰۸ - ۸۹.
- المرعبي، أحمد بن مصطفى. (بي تا). علوم البلاغة؛ البيان، المعاني، البديع
- النظمي، وميض جمال عمر. (بي تا). التطور السياسي في العراق؛ بغداد: جامعه بغداد كليه.
- الواعظ، رؤوف. (۱۹۷۴). الإتجاهات الوطنية في الشعر العراقي الحديث؛ بيروت: دارالحرية.
- الهاشمي، طه. (بي تا). مفصل جغرافية العراق الحديث، العراق في زمن العباسيون العراق القديم؛ بغداد: مطبعة دار السلام.

منابع فارسی

- قرآن کریم
- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- انصاری، نرگس و سیفی. (۱۳۹۳). شعر جواهری از منظر تحلیل ساختاری «بررسی موردی دو قصیده دینی شاعر؛ ادب عربی، دوره ۶، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۳، صص ۷۰-۴۹.
- بهاء الدین، جعفر، علی اکبر مرادیان. (۲۰۱۱). *الإلتزام فی شعر محمد مهدی الجواهری*؛ الطبعة الأولى، بیروت: دارالکتب العربی.
- تاجیک، محمد رضا (۱۳۸۰). *گفتمان، یادگفتمان و سیاست*؛ تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- جلال زاده. م. (۱۳۸۰). *حضور زن در نهضت ها*؛ تهران: ناشر بعثت.
- رشاد، علی اکبر (۱۳۹۳). *دانشنامه فاطمی*؛ چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- طباطبایی، سید مصطفی (۱۳۷۳). *فرهنگ نوین عربی - فارسی*؛ تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- عبدالقیوم، شاه، سید جمال الدین افغان: *شخصیت و افکار*؛ ترجمه عبدالرحیم احمد پروانی، تهران: بنگاه انتشارات میوند.
- علویقی (۱۳۲۴)، *زن در آینه تاریخ*؛ علی اکبر، تهران: نشر پرستو.
- فرکلاف، نورمن، (۱۳۷۹ش)، *تحلیل انتقادی گفتمان*؛ چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- کلاتری، صمد و دیگران. (۱۳۸۸). "تحلیل گفتمان: با تاکید بر گفتمان انتقادی به عنوان روش تحقیق کیفی"؛ *جامعه شناسی*، سال اول، شماره چهارم، پاییز ۱۳۸۸، صص ۲۸-۷.
- محسنی، محمد جواد. (۱۳۹۱). "جستاری در نظریه و روش تحلیل گفتمان فرکلاف"؛ *معرفت فرهنگی اجتماعی*، سال سوم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۱، صص ۸۶-۶۳.
- محمدی مزرعه شاهی (۱۳۹۳)، *مجتبی، جعفری نیسیانی، احسان؛ نقش زن و خانواده در جامعه و شکل گیری سبک زندگی ایرانی اسلامی*؛ بوشهر: سفیران مبین.
- مدرسی، فاطمه (۱۳۹۰) *فرهنگ توصیفی نقد و نظریه‌های ادبی*؛ تهران: ناشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرزایی، حسین، (۱۳۷۵). "مصاحبه با جواهری"، *کیهان فرهنگی*. فروردین و اردیبهشت، شماره ۱۲۶، صص ۷۹-۷۶.
- یورگسن، ماریان، فیلیپس لوتیز (۱۳۸۹ش)، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*؛ چاپ اول، تهران: نشر نی.

تحليل قصيدة "عَلَموها" للشاعر محمد مهدي الجواهري

بناء على تحليل الخطاب النقدي نورمان كلاف

حجت رسولي، أستاذ في قسم اللغة العربيّة وآدابها بجامعة الشهيد بهشتي تهران

سيده فيروزه حسيني، طالبة دكتوراه في اللغة العربيّة وآدابها بجامعة الشهيد بهشتي تهران

المخلّص

تحليل الخطاب النقديّ هو نهج متداخل يرتبط ارتباطاً وثيقاً بالعلوم المختلفة، إذ إنه يطلب مشاركة عوامل متعدّدة مثل القوّة، والأيدولوجيا، والتاريخ و... قصيدة "عَلَموها"، لمحمد مهدي الجواهري، نموذج من تجربته الشعرية، تتمتع بالعديد من المستويات الفرعية من الخفاء والمعاني العميقة. يصوّر الشاعر القوّة وإيدولوجية الطبقة السائدة ويهتّم بتأثير المعرفة والوعي على الأدوار الاجتماعية المختلفة من قبل النساء. إذ إن التفاعلات اللغوية للجواهري والتعرض لأفكارها الداخلية في شكل نص أدبي جديرة بالملاحظة. ولكن ما هي الإيدولوجيات الخفية في قصائد الجواهري؟ يحاول هذا البحث فحص الأبعاد الأدبيّة للقصيدة أثناء الإجابة على هذا السؤال مُستنداً إلى نظرية نورمان فركلاف، على أساس المبادئ الثلاثة للوصف والتفسير والتبيين في تحليل الخطاب النقدي. فأشارت النتائج أنّ مضمون قصيدة "عَلَموها" " ينعكس الترابط بين الأدب والمجتمع للقارئ، حيث ترتبط هذه القصيدة ارتباطاً وثيقاً بالتاريخ والمجتمع والسياسة وعلم النفس والتعاليم الدينية بالاعتماد على العقيدة الإسلامية؛ إذ يبيّن الشاعر تشجيع التعاليم القرآنية للمعرفة والوعي مؤكداً على الأثر العظيم للمعرفة والوعي في نجاح المرأة المسلمة في أدوارها الثلاثة ابنةً وزوجةً وأمّاً؛ كما ينتقد التوزيع غير العادل لسلطة الحكام. فإن اتساق الفضاء الشعري، ووحدة الموضوع، والانسجام والارتباط المنطقي بين المفاهيم واللغة الراسخة للشاعر في جميع أنحاء القصيدة هي من أهم سمات القصيدة في الخطاب.

كلمات مفتاحية: محمد مهدي الجواهري، "عَلَموها"، الخطاب النقدي، الوصف، التفسير، التبيين.